



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# گزیده منظومه‌های نظامی

گزینش و گزارش:  
دکتر یدالله بهمنی مطلق

سر شناسه	: نظامی، الیاس بن یوسف، ۵۳۰ - ۶۱۴ ق .
عنوان و نام پدید آور	: گزیده‌ی منظومه‌های نظامی / گزینش و گزارش یدالله بهمنی مطلق
مشخصات نشر	: تهران : دانشگاه شهید رجائی، ۱۳۸۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۴۶ ص .
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۵۱-۲۵-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا.
یاداشت	: کتابنامه: ص. ۳۴۶.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۶ ق .
شناسنامه افزوده	: بهمنی مطلق، یدالله، ۱۳۴۳ -
شناسنامه افزوده	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی.
رده بندی کنگره	: PIR ۵۱۲۱/۱۶ ۱۳۸۷
رده بندی دیویی	: ۸ فا ۱ / 23
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۵۹۱۲۱۵



دانشگاه تربیت دبیر رجائی

عنوان	: گزیده‌ی منظومه‌های نظامی
تألیف	: دکتر یدالله بهمنی مطلق، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی
نوبت چاپ	: اول - زمستان ۱۳۸۷
نوبت چاپ	: دوم - زمستان ۱۳۹۶
انتشارات	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی
لیتوگرافی	: رجاء نقشینه
چاپ	: شریف
ناظر چاپ	: محمد معتمدی نژاد
صفحه‌آرا	: نیره فیروزی
کارشناسان	: طاهره کیا / علی رضایی اهوآنوئی
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
قیمت	: ۲۰۰,۰۰۰ ریال
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۵۱-۲۵-۲
ISBN: 978-964-2651-25-2	

کلیه حقوق این اثر برای مؤلفان و مترجمان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی محفوظ است.  
 نشانی: تهران، لویزان - کد پستی ۱۵۸۱۱-۱۶۷۸۸ - صندوق پستی ۱۶۳ - ۱۶۷۸۵ - تلفن: (۲۶۳۲) ۹ - ۲۲۹۷۰۰۶۰،  
 تلفکس: ۲۲۹۷۰۰۴۲، پست الکترونیکی: Publish@srttu.edu، وب سایت: http://Publish.srttu.edu

## پیشگفتار

خدایا جهان پادشایی تو راست      ز ما خدمت آید خدایی تو راست  
سپاس بی کران خداوند منان را که سامان کارها به عنایت اوست. کتاب حاضر  
درسنامه‌ای است برای «منظومه‌های نظامی» یکی از دروس تخصصی زبان و ادبیات  
فارسی؛ اما به دلیل مشغله‌های بسیار روزگار ما، سایر علاقه‌مندان نظامی نیز که فرصت  
کافی برای مطالعه‌ی همه‌ی منظومه‌های او را ندارند، می‌توانند از رهگذر این گزیده به  
دریای اندیشه‌های شاعر راهنمایی شوند و مذاق جان خود را لحظاتی قرین لذت  
نمایند.

گسترده‌گی و وسعت دامنه‌ی آثار نظامی به حدی است که بی تردید در ظرف یک  
ترم امکان به پایان رساندن یکی از آن‌ها با شرایط فعلی میسر نیست تا چه رسد به پنج  
گنج او. به همین دلیل برآن شدیم مجموعه‌ای فراهم آوریم در نهایت ایجاز شامل  
همه‌ی منظومه‌های نظامی مخصوصاً که در داستان‌ها اصل و چارچوب داستان و طرح  
کلی حفظ گردد؛ بطوری که مطالعه‌ی همه یا بخش عمده‌ی آن در ظرف یک ترم و با  
سپردن مطالعه‌ی بخشی از آن به دانشجویان امکان پذیر باشد.

در این کتاب تازگی کار به گزینش مطالب منوط است اما در شرح و توضیح ابیات  
از نظر اکثر شارحان آثار نظامی استفاده شده است و خوشبختانه شرح ابیات آن‌قدر  
روشن و واضح است که اولاً نیاز به مراجعه به منبع دیگری احساس نمی‌شود، ثانیاً  
سپردن مطالعه‌ی آن به دانشجویان کاملاً امکان پذیر است. همچنین به همکاران محترم  
فرصت می‌دهد به جای پرداختن به شرح و توضیح ابیات به تحلیل اندیشه‌های شاعر و  
منظومه‌های او بپردازند.

در گزیده‌ی «مخزن‌الاسرار» سعی شده از تمام مقالات لبّ کلام آورده شود. در  
«خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» طرح کلی داستان حفظ شده و برای این منظور و  
ایجاز بیشتر برخی از وقایع به نثر بیان شده است. در «هفت پیکر» گزینش از نکات و

مطالب مهم تر صورت گرفته است. چنان که می‌دانیم زیباترین و آموزنده‌ترین داستان هفت‌گنبد، داستان «خیر و شر» است که با اندکی تلخیص در این جا آمده است. «در اسکندرنامه» به دلیل گستردگی و عظمت کار، سعی شده از هر بخش اعم از «شرفنامه و اقبالنامه» مطالبی آورده شود که خواننده را به فضای کلی موضوع رهنمون باشد. قابل ذکر است که در ارجاع مطالب به شروح استفاده شده، از علائم اختصاری زیر استفاده شده است:

- ۱- (آ) عبدالمحمد آیتی: گزیده‌ی مخزن الاسرار، گزیده‌ی خسرو و شیرین و گزیده‌ی لیلی و مجنون.
- ۲- (و) دکتر وحید دستگردی: سبعی‌ی نظامی گنجوی به تصحیح وحید دستگردی.
- ۳- (ز) دکتر برات زنجانی: شرح مخزن الاسرار، شرح هفت‌پیکر و گزیده‌ی هفت‌پیکر.
- ۴- (ث) دکتر بهروز ثروتیان: شرح مخزن الاسرار نظامی.
- ۵- (ا) دکتر انزابی‌نژاد، پرده‌ی سحر سحری، گزیده‌ی مخزن الاسرار.
- ۶- (ک) دکتر کامل احمدنژاد، گزیده‌ی مخزن الاسرار.
- ۷- (اش) دکتر اشرف‌زاده، گزیده‌ی مخزن الاسرار.

و من الله التوفیق

شهریور ۱۳۸۷

بهمنی

## فهرست مطالب

۱۵	بخش اول: گزیده‌ی منظومه‌های نظامی.....
۱۷	مقدمه.....
۱۷	زندگی و احوال نظامی گنجوی.....
۱۹	نظامی داستانسرای گنجه.....
۲۸	سبک شعر نظامی.....
۳۱	فصل اول: مخزن الاسرار.....
۳۱	در توحید و مناجات.....
۳۳	در نعت پیامبر (ص).....
۳۴	در مقام و مرتبت این نامه و فضیلت سخن.....
۳۶	مقاله اول: در آفرینش آدم.....
۳۷	مقاله دوم: در عدل و نگهداری انصاف.....
۳۸	داستان انوشیروان با وزیر خود.....
۳۹	مقاله سوم: در حوادث عالم.....
۴۰	مقاله چهارم: در رعایت از رعیت.....
۴۰	داستان پیرزن با سلطان سنجر.....
۴۱	مقاله پنجم: در وصف پیری.....
۴۲	داستان پیر خشت زن.....
۴۲	مقاله ششم: در اعتبار موجودات.....
۴۲	داستان سگ و صیاد و روباه.....
۴۳	مقاله هفتم: در فضیلت آدمی بر حیوانات.....
۴۴	مقاله هشتم: در بیان آفرینش.....
۴۵	داستان میوه فروش و روباه.....
۴۵	مقاله نهم: در ترک مئونات دنیوی.....
۴۶	داستان زاهد توبه شکن.....

۴۷	.....	مقاله دهم: در نمودار آخرالزمان
۴۸	.....	مقاله یازدهم: در بی وفایی دنیا
۴۸	.....	مقاله دوازدهم: در وداع منزل خاک
۴۸	.....	مقاله سیزدهم: در نکوهش جهان
۴۹	.....	در نکوهش مال دنیا و فریبندگی آن
۴۹	.....	مقاله چهاردهم: در نکوهش غفلت
۵۰	.....	مقاله پانزدهم: در نکوهش رشکبران
۵۰	.....	مقاله شانزدهم: در چابک روی
۵۱	.....	مقاله هفدهم: در پرستش و تجرد
۵۱	.....	مقاله هیجدهم: در نکوهش دو رویان
۵۱	.....	مقاله نوزدهم: در استقبال آخرت
۵۲	.....	مقاله بیستم: در وقاحت ابنای عصر
۵۵	.....	<b>فصل دوم: خسرو و شیرین</b>
۵۵	.....	حمد خدای و ستایش پیامبر (ص)
۵۶	.....	در عشق
۵۶	.....	آغاز داستان
۵۷	.....	وصف کردن شاپور حسن شیرین را
۵۸	.....	وصف جمال شیرین
۵۸	.....	عاشق شدن خسرو
۵۹	.....	رفتن شاپور به ارمن به طلب شیرین
۶۰	.....	نمودن شاپور صورت خسرو را بار دوم
۶۲	.....	گریختن خسرو از پدر و
۶۳	.....	خبر دادن خسرو مهین بانو را از حال شیرین و رفتن شاپور به طلب او
۶۴	.....	نصیحت کردن مهین بانو شیرین را
۶۴	.....	آزردن خسرو از شیرین و رفتن به جانب روم
۶۵	.....	شفاعت خسرو پیش مریم جهت آورد شیرین

۶۶	.....	آغاز عشق فرهاد
۶۷	.....	رفتن شیرین به دید فرهاد
۶۸	.....	صحرا گرفتن و زاری کردن فرهاد
۶۸	.....	آگاهی یافتن خسرو از عشق فرهاد
۶۹	.....	مناظره‌ی خسرو با فرهاد
۷۱	.....	کوه‌کنندن فرهاد و زاری کردن
۷۱	.....	رفتن شیرین به دیدن فرهاد به کوه بیستون
۷۲	.....	شنیدن خسرو اوصاف شکر اصفهانی را
۷۳	.....	غزل گفتن نکیسا از زبان شیرین
۷۳	.....	پیغام فرستادن شیرویه به شیرین
۷۵	.....	<b>فصل سوم: لیلی و مجنون</b>
۷۵	.....	حمد خدا
۷۵	.....	نعت رسول (ص)
۷۶	.....	آغاز داستان
۷۷	.....	عاشق شدن لیلی و مجنون بر یکدیگر
۷۸	.....	صفت عشق مجنون
۷۹	.....	رفتن پدر مجنون به خواستاری لیلی
۸۰	.....	صحرا گرفتن مجنون از عشق لیلی
۸۰	.....	بردن پدر مجنون را به کعبه
۸۲	.....	صفت جمال لیلی
۸۳	.....	خواستاری ابن سلام لیلی را
۸۴	.....	دلداری کردن نوفل مجنون را
۸۵	.....	رهانیدن مجنون آهوان را
۸۶	.....	دادن پدر لیلی را به ابن سلام
۸۷	.....	رفتن پدر مجنون به دیدن پسر
۸۷	.....	وداع کردن پدر مجنون را

۸۷	.....	خبر دار شدن مجنون از وفات پدر.....
۸۸	.....	رسیدن پیغام لیلی به مجنون.....
۹۰	.....	خواندن مجنون نامه‌ی لیلی را.....
۹۰	.....	رسیدن نامه‌ی مجنون به لیلی.....
۹۰	.....	دیدن مادر مجنون را.....
۹۱	.....	آگاه شدن مجنون از وفات مادر.....
۹۱	.....	پیغام فرستادن لیلی به مجنون.....
۹۳	.....	آمدن سلام بغدادی به دیدن مجنون.....
۹۴	.....	پاسخ مجنون به سلام بغدادی.....
۹۵	.....	وفات یافتن ابن سلام شوهر لیلی.....
۹۶	.....	صفت خزان و وفات لیلی.....
۹۸	.....	خبر یافتن مجنون از وفات لیلی.....
۹۹	.....	وفات کردن مجنون.....
۱۰۱	.....	<b>فصل چهارم: هفت پیکر</b> .....
۱۰۱	.....	حمد خدا.....
۱۰۲	.....	در نعت پیامبر اکرم (ص).....
۱۰۳	.....	در ستایش سخن.....
۱۰۵	.....	مولود بهرام.....
۱۰۶	.....	داستان سمنار.....
۱۰۸	.....	نشستن بهرام روز پنج‌شنبه در گنبد صندلی و.....
۱۰۹	.....	حکایت.....
۱۲۲	.....	در نصیحت فرزند خویش محمد.....
۱۲۵	.....	<b>فصل پنجم: اسکندرنامه</b> .....
۱۲۵	.....	<b>الف) شرفنامه</b> .....
۱۲۵	.....	به نام ایزد بخشاینده.....



۱۲۶	در نعت خواجه‌ی کائنات.....
۱۲۶	رفتن اسکندر به ظلمات.....
۱۲۶	ساقی‌نامه.....
۱۲۶	داستان.....
۱۳۰	بیرون آمدن اسکندر از ظلمات.....
۱۳۰	ساقی‌نامه.....
۱۳۰	داستان.....
۱۳۵	<b>ب) اقبالنامه.....</b>
۱۳۵	به نام ایزد بخشاینده.....
۱۳۶	در نعت پیامبر اکرم (ص).....
۱۳۶	وصیت‌نامه‌ی اسکندر.....
۱۳۶	مغنی‌نامه.....
۱۳۶	وصف خزان.....
۱۴۱	سوگند‌نامه‌ی اسکندر به سوی مادر.....
۱۴۱	مغنی‌نامه.....
۱۴۱	داستان.....
۱۵۱	<b>بخش دوم: گزارش گزیده‌ی منظومه‌های نظامی.....</b>
۱۵۳	<b>فصل اول: گزارش مخزن‌الاسرار.....</b>
۱۵۳	در توحید و مناجات.....
۱۵۹	در نعت پیامبر (ص).....
۱۶۵	در مقام و مرتبت این‌نامه و فضیلت سخن.....
۱۷۳	مقاله اول: در آفرینش آدم.....
۱۷۷	مقاله دوم: در عدل و نگهداری انصاف.....
۱۷۹	داستان انوشیروان با وزیر خود.....
۱۸۱	مقاله سوم: در حوادث عالم.....

۱۸۴	.....	مقاله چهارم: در رعایت از رعیت
۱۸۵	.....	پیرزن با سلطان سنجر
۱۸۷	.....	مقاله پنجم: در وصف پیری
۱۸۸	.....	داستان پیر خشت زن
۱۸۹	.....	مقاله ششم: در اعتبار موجودات
۱۹۰	.....	داستان سگ و صیاد و روباه
۱۹۳	.....	مقاله هفتم: در فضیلت آدمی بر حیوانات
۱۹۴	.....	مقاله هشتم: در بیان آفرینش
۱۹۷	.....	داستان میوه فروش و روباه
۱۹۸	.....	مقاله نهم: در ترک مئونات دنیوی
۲۰۱	.....	داستان زاهد توبه شکن
۲۰۲	.....	مقاله دهم: در نمودار آخرالزمان
۲۰۴	.....	مقاله یازدهم: در بی وفایی دنیا
۲۰۵	.....	مقاله دوازدهم: در وداع منزل خاک
۲۰۷	.....	مقاله سیزدهم: در نکوهش جهان
۲۰۷	.....	در نکوهش مال دنیا و فریبندگی آن
۲۰۸	.....	مقاله چهاردهم: در نکوهش غفلت
۲۰۹	.....	مقاله پانزدهم: در نکوهش رشکبران
۲۱۰	.....	مقاله شانزدهم: در چابک روی
۲۱۲	.....	مقاله هفدهم: در پرستش و تجرید
۲۱۳	.....	مقاله هیجدهم: در نکوهش دورویان
۲۱۴	.....	مقاله نوزدهم: در استقبال آخرت
۲۱۶	.....	مقاله بیستم: در وقاحت ابنای عصر
۲۱۹	.....	فصل دوم: گزارش خسرو و شیرین
۲۱۹	.....	حمد خدای و ستایش پیامبر
۲۲۱	.....	در عشق

۲۲۱	.....	آغاز داستان.....
۲۲۳	.....	وصف کردن شاپور حسن شیرین را.....
۲۲۴	.....	وصف جمال شیرین.....
۲۲۶	.....	عاشق شدن خسرو.....
۲۲۶	.....	رفتن شاپور به ارمن به طلب شیرین.....
۲۲۸	.....	نمودن شاپور صورت خسرو را بار دوم.....
۲۲۹	.....	گریختن خسرو از پدر و.....
۲۳۰	.....	خبر دادن خسرو مهین بانو را از حال شیرین و رفتن شاپور به طلب او.....
۲۳۰	.....	نصیحت کردن مهین بانو شیرین را.....
۲۳۱	.....	شفاعت خسرو پیش مریم جهت.....
۲۳۳	.....	آغاز عشق فرهاد.....
۲۳۴	.....	رفتن شیرین به دیدار فرهاد.....
۲۳۴	.....	صحرا گرفتن و زاری کردن فرهاد.....
۲۳۵	.....	آگاهی یافتن خسرو از عشق فرهاد.....
۲۳۷	.....	مناظره‌ی خسرو با فرهاد.....
۲۳۹	.....	کوه‌کندن فرهاد و زاری کردن.....
۲۴۰	.....	رفتن شیرین به دیدن فرهاد به کوه بیستون.....
۲۴۰	.....	شنیدن خسرو اوصاف شکر اصفهانی را.....
۲۴۱	.....	غزل گفتن نکیسا از زبان شیرین.....
۲۴۱	.....	پیغام فرستادن شیرویه به شیرین.....
۲۴۳	.....	فصل سوم: گزارش لیلی و مجنون.....
۲۴۳	.....	حمد خدا.....
۲۴۵	.....	نعت رسول (ص).....
۲۴۶	.....	آغاز داستان.....
۲۴۹	.....	عاشق شدن لیلی و مجنون بر یکدیگر.....
۲۵۰	.....	صفت عشق مجنون.....

۲۵۱	..... رفتن پدر مجنون به خواستاری لیلی
۲۵۳	..... صحرا گرفتن مجنون از عشق لیلی
۲۵۴	..... بردن پدر مجنون را به کعبه
۲۵۶	..... صفت جمال لیلی
۲۵۷	..... خواستاری ابن سلام لیلی را
۲۵۸	..... دلداری کردن نوفل مجنون را
۲۵۹	..... رهانیدن مجنون آهوان را
۲۶۰	..... دادن پدر لیلی را به ابن سلام
۲۶۱	..... جواب دادن مجنون پدر را
۲۶۱	..... وداع کردن پدر مجنون را
۲۶۲	..... خبردار شدن مجنون از وفات پدر
۲۶۳	..... رسیدن پیغام لیلی به مجنون
۲۶۴	..... خواندن مجنون نامه‌ی لیلی را
۲۶۵	..... رسیدن نامه‌ی مجنون به لیلی
۲۶۵	..... دیدن مادر مجنون را
۲۶۶	..... آگاه شدن مجنون از وفات مادر
۲۶۶	..... پیغام فرستادن لیلی به مجنون
۲۶۹	..... آمدن سلام بغدادی به دیدن مجنون
۲۶۹	..... پاسخ مجنون به سلام بغدادی
۲۷۰	..... وفات یافتن ابن سلام شوهر لیلی
۲۷۱	..... صفت خزان و وفات لیلی
۲۷۵	..... خبر یافتن مجنون از وفات لیلی
۲۷۶	..... وفات کردن مجنون
۲۷۷	..... <b>فصل چهارم: گزارش هفت پیکر</b>
۲۷۷	..... حمد خدا
۲۸۰	..... در نعت پیامبر اکرم (ص)

۲۸۱	در ستایش سخن.....
۲۸۶	مولود بهرام.....
۲۸۸	داستان سمنار.....
۲۹۲	نشستن بهرام روز پنج شنبه در گنبد صندلی و.....
۲۹۳	حکایت.....
۳۰۹	در نصیحت فرزند خویش محمد.....
۳۱۳	فصل پنجم: گزارش اسکندر نامه.....
۳۱۳	الف) گزارش شرفنامه.....
۳۱۳	به نام ایزد بخشاینده.....
۳۱۵	در نعت خواجهی کائنات.....
۳۱۵	رفتن اسکندر به ظلمات.....
۳۱۵	ساقی نامه.....
۳۱۶	داستان.....
۳۲۲	بیرون آمدن اسکندر از ظلمات.....
۳۲۲	داستان.....
۳۲۷	ب) گزارش اقبالنامه.....
۳۲۷	به نام ایزد بخشاینده.....
۳۲۸	در نعت پیامبر اکرم (ص).....
۳۲۹	وصیت نامه‌ی اسکندر.....
۳۲۹	مغنی نامه.....
۳۲۹	وصف خزان.....
۳۳۶	سوگندنامه‌ی اسکندر به سوی مادر.....
۳۳۶	مغنی نامه.....
۳۳۶	داستان.....
۳۴۷	فهرست منابع.....



بخش اول:  
گزینش منظومه‌های نظامی





## مقدمه

### زندگی و احوال نظامی گنجوی

الیاس بن یوسف بن زکی بن مؤید مکنی به ابواحمد و ملقب به نظام الدین و به روایتی جمال الدین شاعر پر آوازه ی گنجه است که در تاریخ تولدش روایات مختلف از ۵۲۰ تا ۵۵۱ نقل شده است. با توجه به اشاره اش به واقعه ی زلزله ی شب شنبه گنجه در اقبالنامه (چاپ اول، ص ۳۲-۳۳) سال های بعد از ۵۳۰ غیر قابل قبول به نظر می رسد.<sup>۱</sup>

در تاریخ وفات او نیز اختلاف نظر بسیار است از ۵۷۶ تا ۶۱۴ که قطعاً قبل از ۶۰۲ را نمی توان پذیرفت زیرا در اقبالنامه در مدح ممدوح نصره الدین ابوبکر محمد پهلوان که در آرزوی داشتن فرزند بوده است و به همین منظور زنی از گرجستان اختیار می کند، ابیاتی دارد. (اقبالنامه، ص ۴-۲۸۳) این ازدواج در سال ۶۰۲ اتفاق افتاده است.<sup>۲</sup> نظامی در شهر گنجه زاده شد که در دو کران رود گانجاچای (گنجه رود) واقع است و از بلاد استوار و کهن اران محسوب می شود. شهر گنجه از ثغور اسلامی و همواره میدان تاخت و تاز اقوام خزر و گرج و روس بوده است.<sup>۳</sup> نظامی خود را شهر بند گنجه معرفی می کند:

نظامی که در گنجه شد شهر بند مباد از سلام تو نا بهر مند (شرفنامه، ص ۲۵)  
مادرش رئیسه ی کرد از خاندانی است متشخص، که بازرگان و طالب امتیازات اجتماعی بوده اند. لذا زمینه ی فراغت و تحصیل برایش کاملاً فراهم بوده است. او در طول عمر خود سه بار ازدواج کرده که هر سه همسرش پیش از وی در گذشته اند. نخستین آن ها آفاق قیجاقی بود که به گفته ی شاعر دارای در بند - به ظن قوی

---

۱ - شرح مخزن الاسرار، برات زنجانی، ص ۱۱

۲ - همان کتاب، ص ۱۴

۳ - گزیده ی خسرو و شیرین، آیتی، ص ده

۱۸.....گزیده‌ی منظومه‌های نظامی

فخرالدین بهرامشاه پادشاه ارزنجان- بدو بخشیده بود. وی به هنگام نظم خسرو و شیرین در گذشت و نظامی داستان خسرو و شیرین را به نوعی برای بیان حال خود و دل‌بستگی‌اش به آفاق به نظم کشیده و در پایان داستان، در گذشت شیرین را یاد آور درگذشت آفاق می‌داند:

در این افسانه شرط است اشک راندن      گلابی تلخ بر شیرین فشاندن  
به حکم آن که آن کم زندگانی      چو گل بر باد شد روز جوانی  
سبک رو چون بت قبیحاق من بود      گمان افتاد خود کآفاق من بود

دو همسر دیگر نظامی، یکی به هنگام نظم لیلی و مجنون و دیگری زمان نظم اقبالنامه بدرود حیات گفته‌اند.

از آفاق فرزندی به نام محمد برای نظامی به یادگار می‌ماند که نظامی در خسرو و شیرین، لیلی و مجنون، هفت‌پیکر و اقبالنامه از او یاد کرده و لیلی و مجنون را به تشویق وی به نظم کشیده است.

نظامی با شاعران بزرگی چون خاقانی، رشیدالدین وطواط، انوری ابیوردی، ظهیرالدین فاریابی، جمال‌الدین اصفهانی و... هم‌عصر بوده، اما ارتباطش با خاقانی از دیگران قوی‌تر است چنان‌که در سوگ او مرثیه می‌سراید:

همی گفتم که خاقانی دریغاگوی من باشد      دریغا من شدم اکنون دریغاگوی خاقانی  
معاصران نظامی از سلاطین کسانی هستند که آثارش به نام آن‌ها رقم خورده است و آن‌ها عبارتند از:

۱- فخرالدین بهرامشاه بن داوود، پادشاه ارزنگان (ارزنجان) که مخزن‌الاسرار به نام اوست.

۲- ابوطالب طغرل بن ارسلان پادشاه سلجوقی و اتابک شمس‌الدین ابوجعفر محمد ایلدگز و برادر وی قزل‌ارسلان که خسرو و شیرین به درخواست آن‌ها به نظم کشیده شده است.

۳- ابوالمظفر اخستان بن منوچهر، پادشاه شروان که لیلی و مجنون به در خواست و نام او به نظم در آمده است.

۴- سلطان علاءالدین کرپ ارسلان پادشاه مراغه که نظامی هفت‌پیکر را به نام او در آورده است.

۵- اتابک اعظم نصره‌الدین ابوبکر سلجوقی فرزند اتابک محمد جهان پهلوان که نظامی بخش اول اسکندرنامه، یعنی شرفنامه را به نام او رقم زده است.

۶- ملک عزالدین محمود بن ارسلان سلجوقی پادشاه موصل که بخش دوم اسکندر نامه؛ یعنی، اقبالنامه به نام اوست.

نظر به این که یکی از تحلیل‌های ارزنده در باره‌ی نظامی و آثارش که مطالعه‌ی آن بر دانشجویان ادبیات فارسی واجب است، مقاله‌ی دکتر زرین کوب در کتاب «با کاروان حله» به نام «نظامی، داستانسرای گنجه» است؛ در این جا عیناً برای سهولت دست‌یابی به آن می‌آوریم.

#### «نظامی داستانسرای گنجه»

شهرت و قبولی که بهره‌ی پنج‌گنج نظامی گشت چندان بود که بعد از وی تا قرن‌های دراز در سراسر قلمرو زبان فارسی هر جا داعیه‌داری دست به نظم داستانی زد در اثبات قدرت نمایی خویش کوشید تا «خمسه‌ی» وی یا دست کم یک دو منظومه‌ی آن را تقلید کند و به پندار خویش داستانسرای گنجه را جواب گوید، چنان که خواجه‌ی کرمانی، خسرو دهلوی، کاتبی ترشیزی، جامی، هاتف، مکتبی شیرازی، عرفی، فیضی دکنی، وحشی بافقی و بسیاری دیگر از شاعران بعد از نظامی بدین گونه با وی به چالش بر خورده‌اند. درست است که داستانسرای گنجه در واقع کار داستانسرایی را به تقلید شیوه و ساختن نظیره‌ی آثار خویش منحصر نکرد و تا حدی سبب بروز وقفه و رکود در داستانسرایی فارسی گشت، اما این معنی عیب و خطای نظامی نیست، هنر و لیاقت اوست و نشان می‌دهد که در همه‌ی قرن‌های بعد در بین تمام نسل‌هایی که بعد از وی آمده‌اند نظامی سر مشق و استاد داستانسرایی به شمار می‌آید.

این پنج گنج پر آوازه که دولت جاوید داستانسرایی گنجه را سبب شده است پنج دفتر شعر است در پنج وزن مختلف که شاعر روی هم رفته نزدیک سی سالی از عمر خویش را در نظم و تدوین آن‌ها به سر آورده است.

مخزن‌الاسرار اندیشه‌های است در بیست مقاله با یک خاتمه راجع به زهد و عرفان که در طی آن شاعر از هر چیزی سخن رانده است: از آفرینش آدم و احوال عالم، از بیوفایی دنیا، از استقبال آخرت، از توبه و تجرد، و از همه چیز دیگر. مخصوصاً در بسیاری از موارد با گستاخی و بی‌پروایی جوانی، بر بیدادگران، بر دو رویان، بر رشکبران و هم‌ی ابنای زمان تاخته است. با این همه قصه‌های کوتاه، اما غالباً پرمایه و دلنشین او، این سخنان تلخ و تند عتاب آلود را - برخلاف اندرز واعظان ریاکار- شنیدنی کرده است. فی‌المثل داستان نوشیروان که شکایت مظالم خویش را در آغاز سلطنت از زبان جغدان می‌شنود از حیث قدرت تأثیر کم نظیر است. پیرزنی هم که به شکایت دامن سنجر را می‌گیرد چنان تند و گیرا سخن می‌گوید که سنجر را چاره‌ای جز عبرت و تنبیه نمی‌ماند. عیسی که سگ مرده‌ای را با یک گروه مردم عیبجوی در رهگذری می‌بیند می‌ایستد و با سخنی مؤثر و خدایانه زیبایی دندان‌های «جیفه» را که در نظر دیگران جز عیب و زشتی ندارند نشان می‌دهد، و مرد راستگوی که نزد فرمانروای ستمگر می‌رود بی‌حشمت و بی‌پروا روی در روی ظالم می‌ایستد و با بیانی گستاخ و قوی با او داوری می‌کند. در طی این‌گونه قصه‌ها شاعر افکار لطیف و تازه بیان می‌کند و اسرار معرفت را - چنان که در طی سال‌ها عزلت و تامل دریافته است - باز می‌نماید.

خسرو و شیرین داستان عشق پر ماجرای خسرو شاهزاده‌ی ایران است با شیرین برادرزاده‌ی بانوی ارمن، که به راهنمایی و چاره‌جویی شاپور ندیم خسرو، به جست‌وجوی یکدیگر بر می‌آیند و بعد از یک سلسه قهر و آشتی سرانجام به هم می‌رسند. نه دلربایی‌های مریم و شکر خسرو را از عشق شیرین باز می‌دارد و نه درد و نیاز کوهکن شیرین را که دلش به مهر خسرو بسته است به دام و سوسه می‌اندازد. پایان